

## حربه سرمایه‌داران و تاکتیک کارگران

سازمان فدائیان (اقلیت)

یکشنبه بیست چهارم شهریور ۱۳۸۷

عدم پرداخت به موقع دستمزدها، چندین سال است که به یکی از مشکلات اصلی و مهم بخش‌های زیادی از کارگران تبدیل شده است. سرمایه‌داران دستمزد کارگران را به موقع نمی‌پردازند و در عین حال با حربه‌ی توقف و تعطیل کارخانه و نگاه داشتن چماق اخراج بر فراز سر کارگران، فشار کار و استثمار را تشدید می‌کنند. اکثر کارخانه‌ها و موسساتی که کارگران آن‌ها با دستمزدهای عقب‌افتاده روبرو هستند، مربوط به مواردی است که صاحبان آن‌ها، برای کسب سود بیشتر، می‌خواهند سرمایه‌های خود را به بخش‌های سودآورتری منتقل سازند. لذا، در طی یک پروسه‌ای که با عدم پرداخت دستمزد آغاز می‌شود و با تقویق شدن تولید، ادامه پیدا می‌کند، سرانجام کارخانه را تعطیل و کارگران را اخراج می‌کنند.

صرف نظر از برخی موسسات و کارخانه‌هایی که در اثر رکود اقتصادی تعطیل و متوقف می‌شوند، و یا برخی دیگر که در اثر واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، تولید در این واحدها نیز متوقف و کارشان به تعطیلی می‌انجامد و فوج فوج کارگران آن‌ها اخراج و بیکار می‌شوند، هم اکنون چندین سال است که در موسسات تولیدی و کارخانه‌هایی که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند و یا در حال واگذاری هستند، کارگران با معضل دستمزدهای عقب‌افتاده، بی‌آیندگی و نداشتن ضمانت شغلی روبرو هستند. ده‌ها هزار کارگر در این گونه واحدها، به تدریج کار خود را از دست داده‌اند و ده‌ها هزار کارگر دیگر نیز در یک قدمی اخراج و بیکاری قرار دارند.

دستمزد کارگران در این دسته از موسسات و کارخانه‌ها، یا پرداخت نمی‌شوند یا عموماً تنها بخشی از دستمزدها، آن هم با تاخیر چند ماهه پرداخت می‌شود. سرمایه‌داران، توجیهات مختلفی از قبیل کمبود نقدینگی، کمبود مواد اولیه و امثال آن را بهانه می‌کنند، دستمزد کارگران را نمی‌پردازند، به بهانه بازسازی و نوسازی و یا تحت عناوین دیگری، بخش‌هایی از کارخانه را تعطیل می‌کنند و کارگران را به‌طور دائم در معرض اخراج و بیکاری قرار می‌دهند. کارگران، از ترس اخراج و بیکاری، و از روی اجبار و ناچاری، تعویق در پرداخت دستمزد را چند ماهی تحمل می‌کنند. اما گرسنگی را نمی‌توان تحمل کرد، لذا دست به اعتراض می‌زنند و دستمزدهای خود را طلب می‌کنند.

کارگران برای دریافت دستمزد خود، هر بار باید دست به تجمع و اعتصاب بزنند، چندین بار تظاهرات و راه‌پیمایی کنند و راه‌بندان ایجاد نمایند، تا بتوانند، دستمزد یکی دو ماه از چند ماه دستمزد عقب‌افتاده خود را بگیرند. اما تا کارفرما دستمزد یکی دو ماه عقب‌افتاده را بپردازد، چند ماه دیگر هم گذشته است. دوباره کارگران باید دست به اعتراض بزنند، دوباره باید تظاهرات و راه‌پیمایی کنند. دوباره باید با آتش زدن لاستیک، راه‌بندان ایجاد کنند، تا بتوانند بخش دیگری از دستمزد خود را بگیرند.

سرمایه‌دار، در حالیکه این سیکل بسته و این روند پر درد و رنج و سراسر اضطراب را بر کارگران تحمیل می‌کند، در

عین حال کارگر را به مرخصی اجبار می‌فرستد، مواد اولیه، وسایل تولید و زمین کارخانه و امثال آن را به فروش می‌رساند و هم‌زمان با دادن وعده‌های تو خالی، مانند پرداخت حقوق‌های معوقه، ادامه‌کاری و یا راه اندازی کارخانه، کارگران را پیوسته در یک حالت انتظار و بلا تکلیفی نگاه می‌دارد. سرمایه‌دار، آنقدر کارگران را در این مدار بسته، که خود از قبل مسیر آن را ترسیم نموده است می‌چرخاند، تا کارگران خسته و مستاصل شوند و سرانجام هم آنچه را که کارگران از آن ترس داشتند، همان بلا را به سر آن‌ها می‌آورد و کارگران را اخراج می‌کند.

علی‌رغم آن که کارگران هر یک از این واحدها، در اعتراض به سیاست‌ها و اقدامات کارفرما، بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند و برای تحقق مطالبات خود، از اشکال مبارزاتی متنوعی استفاده نموده‌اند، اما کارفرمایان - به غیر از مواردی جزئی- از پذیرش مطالبات کارگران سر باز زده‌اند و در همان مسیری گام زده‌اند که از قبل، تصمیم گرفته‌اند. کم نبوده‌اند صنایع و کارخانه‌هایی که به این گونه، دچار توقف و تعطیل شده و کارگران آن، یک سره اخراج و بیکار شده‌اند و کم نیستند کارخانه‌ها و موسساتی که وضعیت مشابهی را از سر می‌گذرانند و کارگران آن‌ها در معرض اخراج و بیکاری‌اند.

تجربه مبارزات کارگری در این گونه واحدها و کارخانه‌ها در چند سال اخیر، از جمله تجربه‌ی اعتصابات و مبارزات پر شکوه کارگران کشت‌و‌صنعت نیشکر هفت تپه، کارگران لاستیک سازی البرز و تجربه اخیر کارگران لوله‌سازی اهواز، به روشنی نشان می‌دهند که روش‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی کارگران، به رغم دستاوردهای آن، اما نتایج مطلوب را به بار نیاورده و برای عقب راندن کارفرمایان و سرمایه‌داران، پاسخگو نبوده‌اند.

اعتصاب، سلاح طبقه کارگر است در مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار. این، به طور کلی درست است، اما به طور مشخص در کارخانه‌ها و موسساتی که ذکر آن رفت، به تنهایی کارساز نیست. اعتصاب و توقف تولید، در واحدهایی که تولید و ادامه‌کاری کارخانه، هنوز برای صاحبان آن‌ها اهمیت دارد، و قصد تعطیل و توقف آن را ندارند، تاکتیک مبارزاتی مطلقاً کارساز و مهم‌ترین حربه‌ی کارگر است. اما توقف تولید در کارخانه‌ای که صاحب آن، خود قصد تعطیلی و توقیفش را دارد و روز شماری می‌کند وسایل تولید را به پول تبدیل کند یا زمین کارخانه را بفروشد و در آن برج و شهرک و امثال آن بسازد، روشن است که نه تنها کارایی لازم را ندارد، چه بسا در بهانه تراشی‌های کارفرما، نقش کمی نیز ایفا کند. از سوی دیگر، بسیج توده کارگران و تکرار مکرر یک شیوه مبارزاتی، که کارفرما اهمیت چندانی به آن نمی‌دهد و کارگران را در دایره‌ای بسته و نگرانی دائمی نگاه می‌دارد، وقتی که به مرور زمان، بی‌اثری یا کم‌اثری این شیوه مبارزاتی ظاهر شود، چه بسا تاثیراتی منفی بر روحیه توده کارگران نیز بر جای بگذارد و سرخوردگی ایجاد نماید. تاکتیک مناسب و صحیح مبارزاتی در شرایط کنونی در این گونه واحدها، آن تاکتیک است که مبارزات کارگری را از مدار بسته‌ای که سرمایه‌داران، چون پيله‌ای بر دور کارگران تنیده‌اند، خارج سازد و سطح مبارزه‌ی کارگری را از این که هست بالاتر برد. هدف سرمایه‌دار روشن است. سرمایه‌دار می‌خواهد کارخانه را تعطیل کند در کارخانه را ببندد و کارگران را بیکار و روانه‌ی خیابان کند. کارگران باید همین ابزار را از کارفرما بگیرند و هر طور شده از تعطیل کارخانه جلوگیری به عمل آورند. اگر کارفرما و حامیان آن ملزومات ادامه کاری کارخانه را فراهم نمی‌کنند، راه چاره‌ی کارگران در این است که کارفرما را از این میان حذف کنند و خودشان کنترل کارخانه و تولید را به دست گیرند و دولت را مجبور سازند مصالح و ملزومات اداره‌ی کارخانه را تامین کند.

تنها با این تاکتیک رادیکال کارگری است که کارگران این گونه کارخانه‌ها، قادر خواهند شد از بن بست و مدار بسته‌ی کنونی خارج شوند و حربه‌ی سرمایه‌دار را از دستش بگیرند و آن را خنثا کنند. کنترل کارخانه و تولید توسط کارگران و نمایندگان آن‌ها که بدین منظور بسیج و سازماندهی شده‌اند، نه فقط حربه‌ی سرمایه‌دار را خنثا می‌سازد، بلکه سطح مبارزه کارگری را از آنچه که هست بالاتر می‌برد، فاز جدیدتری از مبارزه را فرا روی جنبش کارگری می‌گشاید و راه پیشرفت و بالندگی این جنبش را نیز هموار می‌سازد.

همین که این تاکتیک و این شیوه مبارزاتی در یک کارخانه به مرحله اجرا گذاشته شود، دور از انتظار نیست که کارخانه‌های دیگر نیز به این کار تشویق شوند و به آن به پیوندند. با این وجود، این تاکتیک رادیکال کارگری زمانی می‌تواند تأثیرات موثرتری در عقب راندن سرمایه‌داران برجای بگذارد، که نوعی از اتحاد و هماهنگی لااقل در میان کارگران این گونه واحدها به وجود آید. این تاکتیک مبارزاتی اگر از سوی چند کارخانه که وضعیت مشابهی دارند، به فرض کارگران نیشکر هفت‌تپه، لاستیک‌سازی البرز و لوله‌سازی اهواز، به طور هم زمان به مرحله اجرا گذاشته شود و در عین حال با تلاش‌های وسیع این کارگران و فعالان کارگری برای ارتباط‌گیری و پیوند با سایر کارخانه‌ها و جلب حمایت سایر کارگران مراکز تولیدی که نقش استراتژیک دارند، همراه شود، راه را بر سراسری شدن مبارزه می‌گشاید و تأثیرات آن را دو چندان می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

نیمه دوم شهریور ۸۷